

آنچه روحانی از نیویورک نگفت

خاطره ظریف در کتاب تازه‌انتشار یافته «راز سربه‌مهر» روایت جدید روحانی از تماس تلفنی سال ۹۲ با اواما را مخدوش می‌کند

معین رضینی
روزنامه‌نگار

هفته گذشته در شماره ۱۱ آبان روزنامه «فرهیختگان» به بررسی بخش‌هایی از خاطرات حسن روحانی پیرامون زمینه‌های شکل‌گیری دولت تدبیر و امید و عملکرد صدروزه نخست آن پرداختیم. خاطرات منتشرشده‌در «فرهیختگان» در اصل قسمتی از ضمیمه آخرین شماره نشریه آگاهی نو بود. در این ضمیمه منتشرشده با عنوان تراژدی امید در ۱۰ فصل روایتی از ۱۰۰ روز اول‌دولت‌روحانی به‌رشته‌تحریر درآمده‌است. آن‌گونه‌که‌در مقدمه «تراژدی امید» آمده، این ضمیمه حاصل ۶ جلسه گفت‌وگوی شفاهی‌باحسن‌روحانی‌باحضور برخی دیگر از چهره‌های شاخص دولت تدبیر و امید است.

ضمیمه ۱۰ فصلی آگاهی نو، روایت‌های بدیع و پرمناقشه‌ای از حوادث و رویدادهای هشت سال گذشته کشور ما دارد؛ روایت‌های شفاهی‌ای که می‌تواند در آینده دستاویز تحقیقات و پژوهش‌های گسترده‌ای در زمینه تاریخ شفاهی دولت تدبیر و امید شود. مانیز در روزنامه «فرهیختگان» همان‌طور که در نوشتار «قصه روحانی» منتشرشده در شماره مذکور هفته قبل روزنامه وعده داده بودیم، قصد داریم در شماره‌های مختلف به بررسی و نقد خاطرات شفاهی

روحانی از صد روزه اول دولتش بپردازیم، به همین منظور در نخستین اقدام به صحت‌سنجی روایت روحانی از تماس تلفنی اواما با وی پس از حضور نخست وی در نشست شورای عمومی سازمان ملل متحد به تاریخ ۵ مهر ۹۲ با استناد به کتاب راز سربه مهر خاطرات محمدجواد ظریف وزیر خارجه پرداخته‌ایم. روایت روحانی از تماس تلفنی اواما با وی در آگاهی نو این‌گونه آمده است:

«در نیویورک روحانی اجازه داد وزیران خارجه دو کشور؛ جان کری و محمدجوادظریف باهم گفت‌وگو کنند. محمدجوادظریف البته در زمره کسانی بود که شرایط را برای دیدار روسای جمهوری ایران و آمریکا مساعدنمی دید. اما یک ابتکار دیپلماتیک جایگزین دیدار شد؛ روحانی در راه بازگشت از نیویورک به تهران بود که زنگ تلفن همراه به‌صدا درآمد. پشت خط باراک اواما بود. پس از نزدیک به چهارده روزهی جمهور ایران و آمریکا با هم حرف زدند. این ابتکار نمادی و راهبردی بود. تماس تلفنی خط گفت‌وگو را میان ایران و آمریکا برقرار کرد. مکالمه بیش از ۲۰ دقیقه طول نکشید. اواما به زبان فارسی با روحانی وداع کرد و گفت: «خدا حافظ» و این معنایی فراتر از یک ادب دیپلماتیک داشت؛ آمریکا پذیرفته بود که جنگ طلبی و براندازی را کنار بگذارد و از خدا بخواهد حافظ ایران باشد.»

گرچه این مذاکره در تهران با استقبال اصولگرایان مواجه نشد و

نتیجه را با شما مطرح خواهم کرد. متأسفانه شرایط سیاسی بیرونی نیز چندان مساعد نیست. ارتباط کنگره با دولت آمریکایی خیلی حساس شده‌است و موجبات برخی نگرانی‌ها را فراهم می‌کند. لذا هرچه زودتر بتوانیم کار توافقی را نهایی کنیم، بهتر است. ضرورت دارد تمامی تلاش خود را به کار گیریم که در همین دور از مذاکرات، توافق‌نهایی حاصل شود. با توجه به محدودشدن اختلافات ما چند مورد خاص، عدم حصول توافق برای همه مایه خجالت خواهد بود. الان داریم در مورد پیشنهادهای شما و عبارتی که به ما داده‌اید فکر می‌کنیم. در مورد عبارت «در عمل» هنوز راه‌حلی نداریم. آیا در مورد سایر موارد اختلافی پیشنهاد جدیدی به‌نظر شما رسیده‌است؟» ظریف در واکنش به مطالب

کشاکش برسر سایر موضوعات در ژنور این دور از مذاکرات مطابق معمول درباره دیگر موضوعات نیز بحث‌شد. مهم‌ترین موضوع برای ظریف دو دستیارانش بحث تحریم هابود که پیشرفت‌هایی در آن صورت گرفت. چگونگی رفع تحریم‌ها مقول‌های واجد مولفه‌های متعدد و متنوع بود. انواع مختلف تحریم‌ها به لحاظ ماهیت، تنوع آنها به لحاظ مرجع صدور، روندهای موجود مربوط به تعلیق و لغو، جدول زمانی رفع تحریم‌ها با توجه به اقدامات متقابل ایران و غرب از سلسه مولفه‌هایی به شمار می‌آمدند که رفع تحریم‌ها را مشکل و پیچیده کرده بودند. بعد از ۱۲ ماه پافشاری و شاید صدها ساعت بحث در این خصوص، این دوره از مذاکره عیان کرد به غیر از تحریم‌های اشاعه‌ای و تسلیحاتی در رابطه با سایر موارد تنها تفاهمات کلی به وجود آمده است. این تفاهم به این ترتیب حاصل شد که در مقابل اجرای فوری اقدامات مربوط به ایران در توافق نهایی، طرف مقابل نیز تمامی تحریم‌های اقتصادی و مالی خود و همه قطعه‌نامه‌های شورای امنیت به غیر از تحریم‌های کنگره را که تعلیق می‌شوند، ملغی کند. در مقابل این جزا آخر نیز هیات مذاکراتی جمهوری اسلامی ایران این نکته را تثبیت کرد که تصویب نهایی پروتکل الحاقی در مجلس شورای اسلامی را تا زمان لغو تحریم‌های کنگره به تعویق می‌اندازد. با این وجود در موضوع تحریم‌های اشاعه‌ای که مرتبط با صنعت نظامی هسته‌ای به شمار می‌آمد و نیز به تحریم‌های تسلیحاتی، مشکل همچنان باقی مانده بود. لذا در این دور از مذاکرات به این دو موضوع مفصل پرداخته شد.

در وین نظری به این گونه پیشنهاد شده بود: این شاخه از تحریم‌ها خارج از متن قطعه‌نامه

سیاست

کتاب تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای معتقد است روحانی تنها به شرط پذیرش علنی حق غنی‌سازی ایران توسط رئیس‌جمهور آمریکا حاضر به دیدار مستقیم با اواما می‌شود؛ شرطی که مورد پذیرش آمریکایی‌ها قرار نمی‌گیرد و در نهایت مساله دیدار مستقیم روسای‌جمهور دو کشور منغی می‌شود، بعد از این طرف آمریکایی پیشنهاد گفت‌وگوی تلفنی را می‌دهد؛ پیشنهادی که توسط روحانی پذیرفته می‌شود و وی حتی شماره تلفنی نیز برای انجام این تماس به طرف آمریکایی معرفی می‌کند. در صفحه ۲۶۲ کتاب راز سربه‌مهر در این رابطه آمده است:

«هنگامی که پاسخ منفی اواما برای اعلام پذیرش غنی‌سازی به نماینده دکتر روحانی ابلاغ می‌شود و دکتر زمانی نیا نیز با دیدار مخالفت می‌کند، طرف آمریکایی به‌شدت از عدم انجام ملاقات اظهار نگرانی کرده و آن را برای روند مضر ارزیابی می‌کند. پس از چند رفت‌وآمد بین دو هیات، آمریکایی‌ها مجدداً تماس گرفته و علاقه اواما به گفت‌وگوی تلفنی را ابراز می‌دارد و این بار دکتر روحانی می‌پذیرند. شماره تلفن آقای خزاعی (سفیر و نماینده وقت ایران در سازمان ملل متحد) در اختیار آنها گذاشته شد که تماس را از طریق آن خط برقرار کنند.» همچنین یکی از نکات مهمی که روحانی به آن نپرداخته است، مربوط می‌شود به طرح تعدادی از همراهان وی در نیویورک برای ایجاد زمینه ملاقات مستقیم میان اواما و روحانی؛ طرحی که گویا ظریف با آن مخالف بوده و آن را

طرف غربی لغو تحریم‌ها «در عمل»، را قبول نکرد

وی عبارات و فرمول‌بندی‌های جدیدی را مطرح کرد و قرار شد اشتون آن پیشنهاد‌ها و آخرین وضعیت گفت‌وگوهای خود با ظریف را به اعضای گروه «پنج اضافه یک» گزارش دهد. وی در خواست کرد غروب همان روز بار دیگر نشست دوجانبه تکرار شود. از اطلاعاتی که از لطیف الحیل و به واسطه کانال‌های خاصی به هیات مذاکره‌کننده ایرانی می‌رسید، چنین استنباطی حاصل شد که همه اعضای «پنج به‌اضافه یک» به جنبش برخاسته‌اند تا با یافتن راه‌حل مناسب و عبارات جایگزین با به‌صورت کامل اختلافات را از میان بردارند یا اینکه از ارتفاع جداری بکهند که میان دو طرف ایجاد شده بود. جلسه هماهنگ شده برای عصر جمعه به دلیل ناتمام ماندن فرآیندهای حل

ماجرای تسلیحات هسته‌ای چه بود

که درج محدودیت‌های اشاعه‌ای را با لحنی مثبت و منعطف که در برگزیده نظرات همتای ایرانی اش باشد، در متن توافق اعمال کند. متعاقب این تصمیم و اعلام نظر کری، کارشناسان حقوقی دو کشور بحثی مبسوط در این خصوص را با یک‌دیگر آغاز کردند. پیرامون مشکل تحریم‌های تسلیحاتی شرایط به‌گونه‌ای دیگر بود و مذاکرات آشکار ساخت این مقوله به این شیوه‌حل شدنی نیست و مشکل به‌جای خود همچنان باقی است. طرف آمریکایی اعتراف و اذعان داشت که این تحریم‌ها هیچ ربطی به برنامه هسته‌ای ایران ندارند و به لحاظ سیاسی به‌هیچ‌وجه نمی‌توانند فعلاً آنها را تعلیق کنند چرا که در این صورت کنگره جلوی همه توافقات را خواهد بست. این نکته سبب شد برای کوتاه زمانی، راه‌حلی در این خصوص پیدا نشود.

موضوع درج تحریم‌های اشاعه‌ای در متن توافق، شامل اقلام دوماظوره و اقلام ممنوعه در ژنوه هم موضوع گفت‌وگو قرار گرفت. حاصل مجموعه بحث‌های انجام‌شده موبدان بود که طرف مقابل تمایل دارد سازوکاری برای کنترل خرید اقلام دوماظوره از سوی ایرانی برقرار باشد. فهرست‌های مختلفی از این اقلام در عرصه بین‌المللی وجود داشته‌و دارد که آمریکایی‌ها به‌معتقد بودند عرضه آنها به ایران باید وابسته به تدوین چنین سازوکاری و تابع محاسباتی خاص شود. آنچه برای آنها مهم بود، تعیین استفاده‌کننده نهایی از این اقلام در ایران بود که باید به‌روشنی مشخص می‌شد. در بحث‌های کارشناسی هیات‌های مذاکره‌کننده نفس این سازوکار قابل بررسی اعلام شد ولی تأکید ظریف آن بود که نخست این سازوکار باید بیرون از شورای امنیت باشد و کمیسیون مشترک

اختلاف در کار گروه مذاکراتی آنها برای چند نوبت به تأخیر افتاد. سرانجام مذاکرات و گفت‌وگوهای هیات‌های عضو گروه «پنج به‌اضافه یک» به پایان رسید. مشخص بود که توانسته‌اند در هماهنگی پیوسته و سطح بالایی با پایتخت‌های خود که مقصود عمده واشگتنن بود به نتیجه مشترک برسند. اشتون با استراحت چند دقیقه‌ای پس از پایان ست داخلی با «پنج به‌اضافه یک»، در ساعت ۲۲:۴۰ وارد ملاقات با ظریف شد. طی آن دیدار اشتون امکان قبول جمله‌ای را مطرح کرد که در آن عبارت «در عمل» نیامده باشد، اما در بقیه موارد طرف مقابل کماکان بر موضع خود تأکید کرده و حتی بعضی عبارت‌های پیشنهادی آنها از عبارت‌های پیشین هم نامناسب‌تر بود.

ایران و «پنج به‌اضافه یک» بهترین محل برای آن است و دوم، این سازوکار باید ماهیت تسهیل‌کننده داشته باشد، نه ماهیت نهادهی که خود را مجوزدهنده بداند. در برابر این سخن، طرف مقابل معتقد بود برای خرید هر قلم از این نوع کالاها باید از قبل مجوز گرفته شود. این موضع سبب شد هیات مذاکراتی جمهوری اسلامی ایران این خواسته را برنتابد و مقرر شد بحث‌ها در این خصوص در دور بعدی مذاکرات ادامه پیدا کند. به‌رغم آنکه مقرر شد در جلسه بعدی در خصوص تحریم‌های اشاعه‌ای و نحوه درج آن در توافق نهایی، مذاکرات ادامه یابد اما برای هر دو طرف نمایان بود که با بخش بسیار پیچیده و گسترده روبه‌رو خواهند شد. ارزیابی هیات مذاکره‌کننده ایرانی از آن شرایط و به‌ویژه این موضوع خاص چنین بود که امکان نیل به توافق در این زمینه محتمل است ولی در خصوص تحریم‌های تسلیحاتی کماکان بن‌بست در مذاکره وجود دارد. این مباحث در شرایطی فی‌مابین طرف‌ها دنبال می‌شد که هر دو طرف با استناد به توافقات قبلی بر آن اشتراک نظر داشتند که تمامی تحریم‌های اقتصادی و مالی در همه حوزه‌ها بلافاصله پس از تواصل در نخستین مرحله لغو شده و تحریم‌های کنگره متوقف خواهند شد.

هنگامی که در این نوبت، مساله را اکثر آب سنگین اراک که مباحث فنی مرتبط به آن مدت‌ها پیش به انجام رسیده بود، موضوع گفت‌وگو واقع شد، بار دیگر مشخص شد محور کانونی مشکل برای نیل به تفاهم، برخاسته از آرای سیاسی واشگتنن و به‌ویژه مواضع شخص وزیر امور خارجه آمریکا است.

ضرورت همکاری با روسیه؛ حفظ موازنه میان قدرت‌های بزرگ

روسیه هم کارگر افتاده بود، چون با ظرافت و قالبی دویپهلو ازسوی وزیر امور خارجه روسیه مورد اشاره قرار می‌گرفت، بی‌معنا نبود. از این رو ظریف بسیار واضح ابراز داشت: «قطعا در این موضع جدی هستیم. این موضوع برای تهران بسیار مهم است زیرا این مقوله فقط در تقسیم و طبقه‌بندی خلاصه نمی‌شود. مساله اصلی آن است که ما با اصل تحریم مشکل داریم، لذا پیش‌نویس قطعه‌نامه‌ای را که در تاریخ پنجم تیر ذیل عنوان پیشنهاد گروه پنج به‌اضافه یک، در اختیار هیات مذاکراتی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت.»
نپسندیدیم ظریف وقتی واکنش همتای روس خود را که چنین ابراز داشت «ما هم با آن متن خیلی مشکل داریم» شنید، فرصت را مناسب تشخیص داد و بار دیگر فرمان سخن را به سوی متن پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران برای قطعه‌نامه‌ای که باید صادر می‌شد، گرفت. لاوروف که علاوه بر زیرکی و دقت‌نظر، از تجارب و مهارت‌های دیپلماتیک مشابه برخوردار بود، در این تبادل نظر، از دو منظر ملاحظات کشورش را مورد اشاره قرار داد و گفت: «چند موضوع مهم هست. پیرامون تحریم تسلیحاتی کاملاً با شما موافقم. فردو، کانال خرید، تبادل سوخت و امسا قطعه‌نامه، از نگاه ما قطعه‌نامه باید آن‌گونه باشد که سازوکار «بازگشت سریع» نتواند این دو پروژه بحث سوخت و بحث فردو را متاثر کند که در غیر این صورت در میانه کار ممکن است «روس اتس» هم مشمول تحریم شود. با این ملاحظه، باید یک بیان صریح بیاید که این پروژه‌ها از مشمول بازگشت احتمالی تحریم‌ها مستثنی خواهند بود. مانند بحث آب سبک که قبلاً در قطعه‌نامه بود. یک مقوله جدی دیگر درخصوص قید پیشنهادی روسیه در متن «برجام مبنی بر عدم ایجاد سایفه و روبه است. در این خصوص می‌شود متنی یافت که تحقیرآمیز و نامناسب تلقی نشود و هم اینکه دستان ما را برای تجارت قانونی و مشروع با دیگران در آینده نبیند.»

نشانند. ارزست جفری مونیز، یک آمریکایی پرتغالی تبار بود که هم‌زمان با مذاکرات، در موقعیت وزیر انرژی ایالات متحده آمریکا قرار داشت، حضور وی در گفت‌وگوها پس از آن صورت گرفت که وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد صالحی را پذیرفت و عراقچی از طریق

هیچ کس این پیش‌بینی را نداشت که با پیوستن صالحی به مذاکرات، همتای وی در طرف دیگر به هیات آمریکایی ملحق شود؛ اما مست روزگار تصادفاً دو فیزیکدان ایرانی و آمریکایی را که در روزگار جوانی هم‌صنف و دانش‌آموخته رشته فیزیک دانشگاه MIT ماساچوست بودند روبه‌روی هم

مهم‌ترین رویداد در فاصله دو جلسه ۲۰ و ۲۵مهر ۱۳۹۳، ورود علی‌اکبر صالحی به هیات مذاکراتی جمهوری اسلامی ایران با «پنج به‌اضافه یک» بود. صالحی حضور خود را مشروط به درخواست کرد. اول اینکه مقامی همتا از دولت آمریکا به هیات طرف مقابل افزوده شود. با این وجود،